

www.ketab.ir

سرمدار نهید
حاج میرا علی رستمخانی
پای کوبان

نویسنده: حمید بابائی

www.MahdaviLibrary.com
Ghavsaei.nasrin@gmail.com

سرشناسه: بابائی، مجید، ۱۳۶۸

عنوان و نام پدیدآور: پای‌کوبان: روایت خاطراتی از سردار شهید میرزاعلی رستمخانی / گردآوری و تألیف مجیدبابائی (سلام رزمنده).

مشخصات نشر: زنجان: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (زنجان)، سپاه انصار المهدی / مرکز حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، نشر غواص، ۱۳۹۶.

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- شهیدان سرگذشتنامه

شابک: ۲۰۰،۰۰۰ ریال، ۵-۱-۹۶۶۹۶-۶۰۰-۹۷۸ شماره کتابشناسی ملی: ۴۶۶۵۲۸۴

رده بندی کنگره: ۱۳۹۶ ب۲ / DSR۱۶۲۶ رده بندی دیویی: ۹۲۰/۸۴۳۰۹۵۵



سردار شهید

حاج میرزاعلی رستمخانی

ترجمه: مجید بابائی

طراح جلد و صفحه‌آرا: مجید بابائی «۰۹۱۹۸۸۰۱۵۹۰»

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد، قطع رقعی، ۳۲۸ صفحه

ناشر: غواص، قیمت: ۲۰۰،۰۰۰ ریال

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: زیتون

نوبت چاپ: یکم، بهار ۱۳۹۷

شابک: ۵-۱-۹۶۶۹۶-۶۰۰-۹۷۸

تلفن مرکز پخش: ۰۲۴-۳۳۵۵۶۰۶۵

دفتر نشر: خیابان ۱۷ شهریور، مرکز حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس

سپاه انصار المهدی (عج) استان زنجان. تلفن: ۰۲۴-۳۳۵۳۵۰۶۰ یا ۰۲۴-۱۳۰۶۲۳۰۷

رایان نامه: Ghavvas.nashr@gmail.com

www.Mahod.ir/Paykooban



فهرست مطالب

- ۱۳.....مقدمه ✓
- ۱۵.....مقدمه‌ی ناشر ✓
- ۱۷.....تولد یک ستاره ✓
- ۱۹.....سال شمار
- ۲۱.....زندگی نامه
- ۲۳.....برای خدا
- ۲۵.....هدفی بزرگ‌تر
- ۲۷.....روزه ممنوع
- ۲۹.....پادگان هوابرد شیراز
- ۳۱.....قهقهه‌ی مستانه
- ۳۳.....فرمان امام رحمه الله

- ۳۵.....متوجه همه بود.
- ۳۹.....یک اتفاق جالب (داود فرخ‌نیا).
- ۴۱.....ایثار (مادر شهید).
- ۴۳.....احترام به بزرگ‌تر (رکابعلی رستمخانی).
- ۴۵.....شرایط سخت (مصطفی بهرامیون).
- ۴۷.....اراده‌ی آهنین (اکبر عباسی).
- ۵۱.....از بجره پریدن (اکبر عباسی).
- ۵۳.....هفته‌ی رست (علیرضا زینالی).
- ۵۵.....کتب سه‌گانه مطهر (محمدرضا رستمخانی، برادر شهید).
- ۵۷.....فانوس راه (محمدرضا داود رستمخانی، برادر شهید).
- ۵۹.....تربیت از نوع دیگر (فریدون رستمخانی، برادر شهید).
- ۶۱.....نقش تربیتی (جمشید رستمخانی، برادر شهید).
- ۶۳.....☑ سرآغاز عاشقی.....
- ۶۵.....شجاعت و اخلاص (سردار محمود عباسی).
- ۶۹.....جاده‌ی اهواز-آبادان (محسن مهدوی‌نژاد).
- ۷۱.....یک بسیجی شانزده ساله (مصاحبه‌های قبل از شهادت).
- ۷۳.....لباس پاسداری (دکتر مرادپاشا اسکندری).
- ۷۵.....هوش فرماندهی (حمزه‌علی رستمخانی).
- ۷۷.....پل مارد (اصغر رزمگر).
- ۷۹.....گوش به فرمان (فریدون رستمخانی، برادر شهید).
- ۸۱.....یک اتفاق شیرین (فریدون رستمخانی، برادر شهید).

- دستور می دهم (محرر معلی رموک)..... ۸۵
- نبرد با تانک ها (علی رفیع زاده)..... ۸۷
- زخمی شدم ، نجاتم داد (علی اوسط شاهمرادی)..... ۸۹
- شهادت اکبر منصوری (سردار محمود عباسی)..... ۹۳
- یک حادثه (امیر علی احمدی)..... ۹۵
- رمضان در آتش (دکتر سید زین العابدین صفوی)..... ۹۹
- ر جستجوی شهادت (مصاحبه های قبل از شهادت)..... ۱۰۳
- امداد غیبی (امی رزمجو)..... ۱۰۵
- من زن و بچه دارم (حسن مهدوی نژاد)..... ۱۰۷
- تشنه ی آگاهی (دکتر محمد ن. طلایی)..... ۱۰۹
- شوخ طبع (اکبر برومند)..... ۱۱۵
- والفجر مقدماتی (فتح اله رحمانی)..... ۱۱۷
- تلخ و شیرین (علی چام)..... ۱۲۱
- دست من شفاست (حمید گوزلیان)..... ۱۲۳
- کار برای خدا (مصاحبه های قبل از شهادت)..... ۱۲۷
- سردار اسلام (رضا کاظمی راد)..... ۱۲۹
- اطلاعیه ی اعزام به جبهه (معرفت اله تاران)..... ۱۳۳
- دریای محبت (انعام اله رستمخانی)..... ۱۳۵
- شجاعت در شناسایی (علی اصغر قاسم پور)..... ۱۳۹
- حس تکلیف (نقی خلفی)..... ۱۴۱
- محبت ، ایثار ، شهادت (نادر فضل اللهی)..... ۱۴۳

- اعتماد به نفس (مجید نظری)..... ۱۴۷
- محبت هایش (علی رستمخانی)..... ۱۴۹
- در اوج معرفت (علی رستمخانی)..... ۱۵۱
- ایستاده در برابر آتش (سردار منصور عزتی)..... ۱۵۳
- جلوتر از همه ی نیروها (سردار شهید رحیم تاران)..... ۱۵۵
- علمیات شناسایی (مصاحبه های قبل از شهادت)..... ۱۵۷
- از ترس تا شجاعت (علی خلیلی فر)..... ۱۵۹
- در مسیر حبیب (محمد رضا رستمخانی، برادر شهید)..... ۱۶۵
- ویژگی های فرمانده (سردار غلامرضا ابوطالبی)..... ۱۶۹
- انهدام تانک های دشمن (مجید تقی لو)..... ۱۷۱
- پانزده اسیر عراقی (سردار عبداله عراقی)..... ۱۷۳
- صبحگاه (دکتر حمید ارجمندفر)..... ۱۷۵
- از استخر می ترسید (جمال سقماچی)..... ۱۷۷
- ☑ مجنون در مجنون..... ۱۸۱
- کمبودها (علی اصغر محمودی)..... ۱۸۳
- عمل به تکلیف (فخرالدین صیدی)..... ۱۸۵
- تلافی یک شوخی (نقی خلفی)..... ۱۸۹
- جشن پتو (عبدالمجید تفویضی)..... ۱۹۳
- خواب شهادت (فریدون رستمخانی، برادر شهید)..... ۱۹۵
- همراه با رضا حسن پور (مصاحبه های قبل از شهادت)..... ۱۹۷
- در سوگ شهید حمید (حسین علاپور)..... ۱۹۹

- ایستاده در غبار (حسین علاپور)..... ۲۰۳
- طلائی (انعام اله رستمخانی)..... ۲۰۵
- نامه ای برای من (فریدون رستمخانی، برادر شهید)..... ۲۰۹
- خبر شهادت فرزندانم (مرحوم حاج یداله اجاقلو)..... ۲۱۳
- قدمشان خیر بود (ادریس رستمخانی، برادر شهید)..... ۲۱۵
- فریاد (همسر شهید)..... ۲۱۷
- فرمانده قلب ها (ادریس رستمخانی، برادر شهید)..... ۲۲۱
- خانه و آخرت (سردار جهانبخش کرمی)..... ۲۲۵
- ماجرای یک پیام (نقی خاکی)..... ۲۲۷
- به فکر همه بود (اباسیم از رستمی)..... ۲۳۱
- پای کوبان در بدر..... ۲۳۵
- خدا حافظ مهدی (همسر شهید)..... ۲۳۷
- سفر حج (رمضان پناهی)..... ۲۳۹
- استقبال، ممنوع (همسر شهید)..... ۲۴۱
- خانواده نفهمد (ادریس رستمخانی، برادر شهید)..... ۲۴۳
- روحیه ی شجاعت (دکتر بهرام ملکی)..... ۲۴۵
- شهادت خوبان (فریدون رستمخانی، برادر شهید)..... ۲۴۹
- شهادت آقا مهدی (نقی خلفی)..... ۲۵۱
- نفوذ در عمق دشمن (حسین محمدی)..... ۲۵۳
- موج گرفتگی (انعام اله رستمخانی)..... ۲۵۵
- وقف جبهه (مقتدا محبی)..... ۲۵۷

- آخرین تصویر فرمانده (سید داود طاهری)..... ۲۵۹
- توجیه نقشه (مرغوب داداش زاده)..... ۲۶۳
- کمینگاه (احمد محمدی)..... ۲۶۵
- آخرین شناسایی (سردار جمال پرستار)..... ۲۶۷
- عبور از دجله (عبدالرزاق میراب)..... ۲۶۹
- خوابم برده بود (سردار محمد تقی اوصانلو)..... ۲۷۳
- لحظه های عاشورایی (سردار جمال پرستار)..... ۲۷۵
- چهار شب بی خرابی (رضا کاظمی راد)..... ۲۷۷
- صدای آتش (سردار مرتضی آهنگران)..... ۲۷۹
- کار، مهم تر بود (سولوا رزیری)..... ۲۸۱
- پاک سازی هریبه (رضار سولوا)..... ۲۸۳
- در آرزوی شهادت (حاج اصغر فتح حانلو)..... ۲۸۵
- خبر شهادت (مجید زرگری)..... ۲۸۷
- جامانده (نصرت غریبلو)..... ۲۸۹
- کارش برای خدا بود (ادریس رستمخانی، برادر شهید)..... ۲۹۳
- ماجرای یک خواب (پدر شهید)..... ۲۹۵
- تکیه گاهم بود (خواهر شهید)..... ۲۹۷
- فرازی از وصیت نامه..... ۳۰۱
- تصاویر و اسناد..... ۳۰۵

مقدمه ...

می‌خواهم چند قطی برایمان بنویسم. از مردانی که روزگاری به یک نیم‌نگاه خمینی، کار، لغات، مدرسه، دانشگاه، خانه و خانواده‌ی خود را سپردند به خدای مهربانی‌ها.

پس خیلی زود دست‌به‌قلم شدم. ابتدا در کچه پس‌کوچه‌های شهرهای زنجان، تهران، تبریز، سمنان و قم به سراغ مردانی رفتم که نشانی از مرام و معرفت شهید حاج میرزا علی داشتند. دوست داشتم، این مرد را بیشتر بشناسم. آنان برایم از خدشکستن‌ها گفتند، از رقص در زیر آتش و باران. گاهی میان صحبت‌ها خندیدم و گاهی گریه.

وقتی به پایان مصاحبه‌ی چند ساعته می‌رسیدم، تمام ذهنم را متمرکز خاطرات می‌کردم. سریع در خلوتی می‌نشستم و می‌نوشتیم. تقریباً در هر گفتگو با اسامی جدیدی از همسنگران شهید آشنا

می شدم. شماره تماس یا آدرسی به دست می آوردم و سراغشان می رفتم. گاهی در همایش ها، گاهی در محل کار، گاهی در مجلس ترحیم و... به حضورشان می رسیدم و در دل شوق شنیدن خاطراتی از شهید حاج میرزا علی داشتم.

وسعت خاطرات بیان شده زیاد بود. با تعداد بیش از ۸۰ نفر از هم سنگران و خانواده‌ی محترم آن شهید گفتگوهای چندساعته داشتم. بنابراین سعی نمودم گزیده‌ای از زیباترین خاطرات معنوی و سیره‌ی فرماندهی این شهید بزرگوار را گردآوری و تألیف نمایم. اما نقطه‌ی اوج کتاب آن جایی است که بعد از شهادت آقا مهدی زین‌الدین در جبهه‌ی کردستان و حمید احدی در عملیات بدر، در خلوتی شهدایی گریه می‌کند و طلب شهادت می‌کند و ساعاتی بعد خود را به خطوط پشت دشمن می‌رساند یعنی جاده‌ی العماره - بصره و به شهید مهدی باکری بی‌سیم می‌زند و در حالی که پایش را به زمین می‌کوبد، می‌گوید: «آقا مهدی من رسیدم جاده...» و همان جا به شهادت می‌رسد.

امید است کتاب حاضر که قطره‌ای از دریای مردانگی شهید حاج میرزا علی رستمخانی است و با همراهی گرم بیش از هشتاد نفر از هم‌زمان شهید، به رشته‌ی تحریر درآمده است موجبات رضایت حضرت زهرا (علیها السلام) و شهدای اسلام و انقلاب را فراهم آورد ان شاء الله. مجید بابایی (سلام رزمنده)